

۱- عین الترجمة الصحیحة:

«أكبر عیب الانسان أن یتعیب ما فیہ مثله».

- (۱) بزرگ‌ترین عیب انسان این است که عیب بشمار آورد چیزی را که مثل آن در اوست.
- (۲) بزرگ‌ترین عیب آدمی این است که همانند عیب خویش را در دیگران جستجو کند.
- (۳) عیب بزرگ انسان این است که زشت بشمارد آنچه را که در خود مانند آن را دارد.
- (۴) عیب بزرگ‌تر آدمی این است که آنچه را که در اوست در دیگران زشت می‌شمارد.

۲- عین التعریب الصحیح و الدقیق:

«مؤمن به هنگام سختی شکبیا و به هنگام آسایش شکرگزار است.»

- (۱) المؤمنُ یصبرُ فی البلاء و یشکرُ فی الرِّخاء
- (۲) المؤمنُ الصبورُ عند البلاء و الشکورُ عند الرِّخاء
- (۳) المؤمنُ صبورٌ عند البلاء و شکورٌ عند الرِّخاء
- (۴) صبرُ المؤمن عند البلاء و شکرهُ عند الرِّخاء

۳- عین الاصح و الادق فی الجواب للترجمة:

«رضیت عن کل من ظلمنی و شتمنی و جعلت هذا الدعاء صدقة فی سبیل الله!»:

- (۱) از تمام کسانی که به من ظلم کرده و ناسزا گفته‌اند خشنود می‌گردم و این دعا را صدقه در راه خدا قرار می‌دهم!
- (۲) از کسانی که بر من ستم و دشنام روا داشته‌اند می‌گذرم پس این دعا را به عنوان صدقه در راه خدا قرار دادم!
- (۳) از هر که بر من ستم کرده است و ناسزا روا داشته درمی‌گذرم و این دعاها را صدقه در راه خدا قرار می‌دهم!
- (۴) از هر که بر من ظلم روا داشته و به من ناسزا گفته راضی گشتم و این دعا را صدقه‌ای در راه خدا قرار دادم!

۴- عین الاصح و الادق فی الجواب للتعریب:

«این مقاله‌ی علمی را یکی از دانشمندان یازده ماه قبل در نه صفحه نوشته است!»

- (۱) کتب أحد العلماء مقالة العلمية فی تسع صفحات من قبل أحد عشر شهراً!
- (۲) قد کتبت إحدى العالمات هذه المقالة العلمية فی تسع صفحات قبل أحد عشر شهراً!
- (۳) إن هذه المقالة العلمية کُتبت بواسطة واحد من العلماء قبل أحد عشر شهراً علی تسع صفحات!
- (۴) إن هذه المقالة العلمية کُتبت بواسطة واحدة العالمات من قبل أحد عشر شهراً فی تسع صفحات!

۵- عین الصحیح فی ترجمة العبارة: «يوم العدل علی الظالم أشد من يوم الجور علی المظلوم.»

- (۱) روز دادخواهی از ستمگر سخت‌تر از روز ستم بر ستم‌دیده است.
- (۲) روز دادخواهی از ظالم دشوارتر از روز ستم بر مظلوم خواهد بود.
- (۳) روز عدل، ظالم به خاطر ستم بر مظلوم سختی می‌کشد.
- (۴) روز دادخواهی، مظلوم به خاطر ستم به ظالم سخت می‌گیرد.

۶- عین الخطأ:

- (۱) إنما رؤیه الحبيب تُسبب هدوءنا!: فقط دیدار دوست باعث آرامش ما می‌شود!
- (۲) إن العالم ینفع الناس بعلمه و عمله!: عالم با علم و عمل خود به مردم سود می‌رساند!
- (۳) لا یعرف الأخ إلا عند الحاجة!: فقط هنگام نیازمندی است که برادر شناخته می‌شود!
- (۴) إن المعلم یورث الصبر بین طلابه!: معلم است که می‌تواند صبر را بین دانش‌آموزان به ارث بگذارد!

۷- «صدیقک من صدقک لا من صدقک»، عین المناسب للمفهوم:

- ۱) دشمن دانا به از نادان دوست
- ۲) دوست آن باشد که گیرد دست دوست
- ۳) دوست دارم که دوست، عیب مرا همچو آینه روبه رو گوید
- ۴) در ضمیر ما نمی‌گنجد به غیر از دوست کس

۸- عین الصحيح:

- ۱) الصبر نوعان صبر علی ما تکره و صبر علی ما تُحبُّ: صبر دو نوع است، صبر به آنچه که مکروه است و صبر بر آنچه که محبوب است.
- ۲) مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ: از كفاره‌های گناهان بزرگ یاری رساندن به درمانده است.
- ۳) أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله: عیب بزرگی است که آنچه در خودت هست را عیب ندانی.
- ۴) تَقَرَّبَنَّ إِلَى اللَّهِ بِمَوَاسِقَةِ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمَسْلَمَاتِ: با یاری کردن مردان و زنان مسلمان به خداوند نزدیک شدید.

۹- عین العبارة التي لا تُناسِبُ مفهوم هذا البيت: «فسیری علی الموت لانحنی / فانتِ الصُّمُودُ الذی لا یلین»

- ۱) الدَّعْوَةُ إِلَى الْمَلَائِكَةِ.
- ۲) الاغراء و التشجيع إلى المقاومة.
- ۳) التَّحذِيرُ مِنَ الْاِسْتِسْلَامِ.
- ۴) فضل الموت لِأجل المقاومة و النَّصْرِ.

۱۰- «ایمان به منزله‌ی نردبانی است که ده پله دارد و بالاترین این پله‌ها ایمان واقعی به خداست!»: عین الصحيح:

- ۱) إِنَّ الْإِيمَانَ كَسَلَّمَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ فِي أَعْلَى هَؤُلَاءِ الدَّرَجَاتِ الْإِيمَانُ الْوَاعِقِيُّ بِاللَّهِ!
- ۲) الْإِيمَانُ مِثْلُ سَلَمٍ بَعَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ الدَّرَجَةُ الْأَعْلَى مِنْهَا هِيَ دَرَجَةُ إِيْمَانِ اللَّهِ الْحَقِيقِيِّ!
- ۳) إِنَّ الْإِيمَانَ مَنْزِلَةٌ سَلَّمَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ، وَ أَعْلَى هَذِهِ الدَّرَجَاتِ الْإِيمَانُ الْحَقِيقِيُّ بِاللَّهِ!
- ۴) الْإِيمَانُ هُوَ السَّلَامُ الَّذِي لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ وَ أَعْلَى هَذِهِ الدَّرَجَةِ دَرَجَةُ إِيْمَانِ اللَّهِ الْوَاعِقِيِّ!

۱۱- عین الأقرب من المفهوم: «الدهر يخلق الأبدان و يُجَدِّدُ الْأَمَالَ».

- ۱) جوانی کجایی که یادت به‌خیر!
- ۲) آدمی پیر چو شد، حرص جوان می‌گردد!
- ۳) منهومان لایشبهان: طالب علم و طالب دنیا!
- ۴) الدهر یومانِ یوم لک یوم علیک!

۱۲- عین الأصح و الأدق في الأجوبة للترجمة:

«إِنَّ مِنْ عِلَامَاتِ تَكْرِيمِ الْعِلْمِ تَقْبِيلُ يَدِ الْعَالِمِ!»:

- ۱) همانا بوسیدن دست عالم نشانه‌ای برای تکریم دانشمندان است!
- ۲) از نشانه‌های تکریم علم، بوسه زدن بر دست دانشمندان است!
- ۳) بوسه زدن بر دست یک عالم نشانه‌ای است برای بزرگداشت علم!
- ۴) از نشانه‌های تکریم دانش، بوسیدن دست عالم است!

۱۳- عین الاصح و الادق فی الجواب للتعریب:

- «همه‌ی میزهای این کلاس کوچک از چوب ساخته شده‌اند و بچه‌ها میز چوبی را دوست دارند.»:
- (۱) کانت قد صنعت جميع المنضدة لهذا الصفّ الصغيرة من الخشب فالأطفال یحبّون المنضدة الخشب.
 - (۲) إنّ جميع المنضدة لهذا الصفّ الصغير من الخشب فالأطفال یحبّ المنضدات الخشبیه.
 - (۳) قد صنع جميع المنضدات في هذا الصفّ الصغير من الخشب و الأطفال یحبّون المنضدات الخشبیه.
 - (۴) کلّ منضدات هذا الصفّ الصغير قد صنع من الخشب و الأطفال یحبّون المنضدة الخشبیه.

۱۴- عین الاصح و الادق فی الجواب للتعریب:

«بعد از رفتن مهمان‌ها فرصت را برای بازی با برادرم غنیمت شمردم!»:

- (۱) بعد ذهاب الضیوف اغتتمتُ الفرصة للّعب مع أخی! (۲) اغتتم الفرصة بعد ذهاب الضیوف للّعب مع إخوانی!
- (۳) اغتتمنا الفرص بعد ذهاب ضیفنا للّعب مع أخینا! (۴) بعد ذهاب ضیوفی اغتتمت الفرص للّعب مع إخواننا!

۱۵- عین الاصح و الادق فی الجواب للترجمة:

«السکوت الذی یحفظ الانسان من الندامة أفضل من التکلم!»:

- (۱) سکوتی که انسان را از پشیمانی محفوظ می‌دارد بهتر از سخن گفتن است!
- (۲) سکوت وقتی شخص را از پشیمانی محفوظ نگه دارد برتر از حرف زدن است!
- (۳) سکوت وقتی از کلام بهتر است که انسان را از ندامت حفظ کند!
- (۴) سکوتی از ندامت برتر است که انسان را از تکلم حفظ کند!

۱۶- عین الاصح و الادق فی الجواب للترجمة:

«إحدى فضائل الله إلى عبده هی أن یعطیه الجود فی حیاته!»:

- (۱) یکی از الطاف خداوند به بنده‌اش این است که بخشندگی را در زندگی‌اش به او عطا کند!
- (۲) لطفی که خداوند به بنده‌ی خود می‌کند، دادن بخشندگی به او، در زندگی است!
- (۳) یکی از برتری‌های خداوند به بنده‌ی خود، اعطاء بخشندگی در زندگی بنده است!
- (۴) تنها لطف خداوند به بندگان خود، بخشش در زندگی آن‌ها می‌باشد!

۱۷- «الأفضل من یُساعد الآخرين مع أنه محتاج إلى المساعدة!»:

- (۱) برترین افراد کسی است که به دیگران کمک کند با این که خود نیازمند کمک است!
- (۲) کسی برتر است که به دیگران یاری رساند با وجود این که نیاز به کمک دارد!
- (۳) برتر کسی است که به دیگران کمک کند با این که نیازمند به کمک است!
- (۴) کسی که به دیگران کمک می‌کند و خود نیاز به کمک دارد بهترین افراد است!

۱۸- عین الصّحیح:

- (۱) همیشه به پدر و مادر خود احترام بگذارید! احتراموا والدکم دائماً!
- (۲) این معلم‌ها به ما در موفقیت‌مان کمک می‌کنند! هؤلاء معلّمون یُساعدونا فی نجاحنا!
- (۳) من همراه خانواده‌ام به زیباترین مناطق رفتم! ذهبت مع أسرّتی إلى أجمل المنطقة!
- (۴) عاقل کسی است که از تجربه‌ها پند گیرد! العاقل من یعتبر من التجارب!

(لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ):

(۱) ملك آسمانها و زمین از آن الله است، هرکس را بخواهد مورد غفران قرار می‌دهد و هرکس را بخواهد عذاب می‌دهد!

(۲) از آن خداوند ملک آسمان و زمین، کسی را که مایل باشد غفران می‌دهد و کسی را که نخواهد عذاب می‌کند!

(۳) ملك آسمانها و زمینها برای خداوند است، می‌آمزد آنرا که خواستار آمرزش است و عذاب می‌دهد آنرا که بخواهد!

(۴) تعلق به الله دارد ملک آسمان و زمینها، مورد آمرزش قرار می‌دهد آنرا که مایل باشد و عذاب می‌دهد آنرا که بخواهد!

۲۰- «النَّارُ تَأْكُلُ مَا تَجَدُّ حَوْلَهَا!». عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

(۱) النَّارُ أَشَدُّ سُرْعَةً مِنَ الرِّيحِ حَرَكَةً! (۲) رِيْمًا شَرَارَةٌ نَارٍ أَحْرَقَتْ بِلَدًّا!

(۳) نَارُ الْعَشَقِ تُحْرِقُ الْعَاشِقَ! (۴) لَا يُجْمَعُ الْمَاءُ مَعَ النَّارِ!

۲۱- عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

«هنگام حدوث مشکلات، دوستم به من توجه می‌کند و من آنرا به خوبی درک می‌کنم!»:

(۱) أفهم أنا اهتمام صديقي بي عند بروز مشاكلي حسناً!

(۲) اهتمّ بي صديقي عند بروز مشاكلي و أنا فهمته حسناً!

(۳) كان صديقي يهتمّ بي عند حدوث المشاكل و أدركه أنا جيّداً!

(۴) يهتمّ بي صديقي عند حدوث المشاكل و أنا أدرك ذلك جيّداً!

۲۲- عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ التَّعْرِيْبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

«اقترحت على ضيفي أن نقرأ ما تيسر من القرآن قبل الإفطار!»:

(۱) به مهمانم پیشنهاد کردم که قبل از افطار از قرآن آنچه میسر است بخوانیم!

(۲) پیشنهاد می‌همانم به من این بود که پیش از افطار تا می‌توانیم قرآن بخوانیم!

(۳) به مهمانم این پیشنهاد را دادم که تا قبل از افطار هر قدر می‌توانیم قرآن بخوانیم!

(۴) می‌همانم به من پیشنهاد داد که اگر برایمان مقدور است تا قبل از افطار قرآن بخوانیم!

۲۳- عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ:

«أخطر الأمراض أنك لا تعترف بجرمك و لا تقبل أنك قد أخطأت!»:

(۱) این که تو جرمت را نپذیری و حتی قبول نکنی که اشتباه کرده‌ای از بیماری‌های خطرناک است!

(۲) خطرناک‌ترین بیماری‌ها اینست که به جرم خود اعتراف نکنی و قبول نکنی که خطا کرده‌ای!

(۳) بیماری خطرناک اینست که تو جرم را نپذیری و به اشتباهت اعتراف نکنی!

(۴) یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌ها اعتراف نکردن به جرم و نپذیرفتن اشتباه است!

۲۴- عین الاصح و الادق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريف:

«قال لنا المعلم: هذا الامتحان لا يقتصر على هذا الدرس فقط بل يشمل الدروس الماضية أيضاً!»:

- (۱) معلم ما گفت: این آزمون فقط شامل یک درس نیست بلکه شامل دروس گذشته هم می‌باشد!
- (۲) معلم ما گفت: امتحان به این درس‌ها محدود نمی‌شود بلکه شامل همه درس‌های گذشته نیز می‌شود!
- (۳) معلم به ما گفت: این امتحان فقط محدود به این درس نمی‌باشد بلکه شامل دروس گذشته نیز می‌شود!
- (۴) معلممان به ما گفت: آزمون فقط منحصر به این درس نمی‌شود بلکه درس‌های گذشته را هم شامل می‌شود!

۲۵- عین الاصح و الادق في الجواب للترجمة أو التعريف أو المفهوم:

«أنا قد تعودتُ أن أتناول العشاء في الساعة الثامنة بعد أداء الصلاة!»:

- (۱) من عادت کرده‌ام که شام را در ساعت هشت پس از به جا آوردن نماز بخورم!
- (۲) من عادت کرده بودم که پس از ادای نماز، شامم را در ساعت هشت بخورم!
- (۳) من عادت داشتم که شام خود را رأس ساعت هشت بعد از ادای نماز بخورم!
- (۴) از عادات من این است که بعد از به جا آوردن نماز، شام را در رأس ساعت هشت بخورم!

۲۶- عین الاصح و الادق في الجواب للترجمة أو التعريف أو المفهوم.

«فرزندان امیدهای آینده پدر و مادر هستند!»:

- (۱) آمال المستقبل للوالدين هو الولد!
- (۲) من آمال المستقبل الاب و الأم هو الاولاد!
- (۳) الاولاد من آمال المستقبل للأب و الأم!
- (۴) الاولاد آمال مستقبل الوالدين!

۲۷- عین الاصح و الادق في الجواب للترجمة أو التعريف أو المفهوم.

«آیا می‌دانی او کیست؟»، عین الخطأ:

- (۱) أنعلم من هي؟
- (۲) أتعلمين من هي؟
- (۳) أتعلم من هو؟
- (۴) أتعلمين من هو؟

۲۸- عین الاصح و الادق في الجواب للترجمة أو التعريف أو المفهوم.

«جاهل است که خود را با دست‌هایش به هلاکت می‌اندازد!»:

- (۱) الجاهل هو الذي يوقع نفسه بأيديه إلى التهلكة!
- (۲) الجاهل هو كان واقعا في الهلاكة بأيدي نفسه!
- (۳) ذلك الجاهل من يوقع في التهلكة بأيديه نفسه!
- (۴) هذا الجاهل يقع نفسه بأيديه إلى المهلكة!

۲۹- عین الاصح و الادق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريف.

«أيتها الطالبة، حاولي أن تستفيدي نهاية الاستفادة من حضور هذا الأستاذ الجليل في صفكم!»:

- (۱) دانش‌آموز کوشا، سعی تو این باشد که از محضر این استاد ارزشمند در کلاس خود بی‌نهایت بهره‌مند شوی!
- (۲) دانشجوی تلاشگر، سعی کن تا از حضور استاد باارزش خود در کلاستان به‌طور کامل بهره‌مند شوی!
- (۳) ای دانش‌آموز، تلاش کن تا تمام بهره را از محضر این استاد جلیل در کلاس خود ببری!
- (۴) ای دانشجو، سعی کن از حضور این استاد گران‌قدر در کلاستان نهایت استفاده را ببری!

«الْحَتَّ مَعْلَمَتِي عَلَى الطَّالِبَاتِ أَنْ لَا يَحَاكِينَ الْآخِرِينَ وَيَعْتَمِدْنَ عَلَى أَنْفُسِهِنَّ!»:

- (۱) معلم من به دانش‌آموزان خود اصرار داشت که از دیگران تبعیت نکنند و فقط به نفس خویش اعتماد کنند!
- (۲) آموزگار من به شاگردان خویش اصرار می‌ورزید که از سایرین پیروی نکنند و به نفس خود تکیه نمایند!
- (۳) معلم به دانش‌آموزان اصرار کرد که از دیگران تقلید نکنند و بر خویشتن اعتماد ورزند!
- (۴) آموزگارم به شاگردان فشار می‌آورد که مقلد دیگران نباشند و بر خویشتن تکیه کنند!

۳۱- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَسْتَمِعَ إِلَى نَصَائِحِ مَعْلَمِينَا لِأَنَّهُمْ يُرِيدُونَ نَجَاحَنَا كَأَبَائِنَا»

- (۱) بر ما واجب است که به نصیحت‌های معلم‌های خود گوش فرا دهیم زیرا آن‌ها مانند پدرانمان پیروزی ما را می‌خواهند!
- (۲) بر ما واجب است که به نصیحت‌های معلم‌های خود گوش فرا دهیم زیرا آن‌ها چون پدران ما هستند که فقط پیروزی ما را می‌خواهند!
- (۳) بر ما واجب است که به نصیحت‌های معلم‌های خود گوش فرا دهیم زیرا آن‌ها پدران پیروزی ما را می‌خواهند!
- (۴) بر ما واجب است که به نصیحت‌های معلم‌های خود گوش فرا دهیم زیرا خواسته‌ی پدران‌هی آن‌ها پیروز شدن ما است!

۳۲- انْتِخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ: «سَتُفِيدُنَا إِجْتِهَادَاتِنَا الدَّائِمِيَّةَ لَوْصَلْنَا إِلَى أَهْدَافِنَا الْعَالِيَةِ. نَعْمَ الْحَيَاةُ زَمَانٌ قَلِيلٌ وَ عَارِضٌ»

- (۱) تلاش‌های همیشگی ما برای رسیدن ما به هدف‌های بلندمرتبه‌مان، به ما سود خواهد رساند. آری زندگی زمانی کم و گذرا است.
- (۲) تلاش‌های همیشگی ما برای رسیدن ما به هدف‌های بلندمرتبه به ما سود خواهد رساند. آری زندگی زمانی کم و گذرا است!
- (۳) همیشه تلاش‌های ما، ما را برای رساندن به هدف‌های بلندمرتبه‌مان کمک خواهد نمود. آری زمان زندگی کم و گذرا است.
- (۴) تلاش‌های همیشگی ما است که به ما برای رساندن به هدف‌های بلند مرتبه‌مان سود خواهد رساند. آری زندگی زمانی کوتاه و فانی است.

متن زیر را بخوانید و به ۹ سوال بعدی پاسخ دهید:

«فصول السنة الإيرانية أربعة: ربيع و صيف و خريف و شتاء. يبتدئ كل عام بالربيع و الربيع فصل يحبه الأطفال أكثر من سائر الفصول و الصيف أيام حرارة الشمس أكثر فيه بالنسبة إلى الخريف و الشتاء. يصفر أكثر الأشجار في الخريف كما نعلم نزول الأمطار و الثلج في الخريف و الشتاء شيء طبيعي. يتشكل كل فصل من تسعين يوماً.»

۳۳- أي فصل يأتي بعد الخريف؟

- (۱) الربيع (۲) الشتاء (۳) الصيف (۴) السنة الجديدة

۳۴- عَيْنِ الصَّحِيحِ: «الْأَشْجَارُ.....»

- (۱) مُصْفَرَّةٌ فِي الرَّبِيعِ وَ الْخَرِيفِ!
- (۲) خَضْرَاءٌ فِي الْخَرِيفِ!
- (۳) مُصْفَرَّةٌ فِي الْخَرِيفِ!
- (۴) خَضْرَاءٌ فِي الْخَرِيفِ فَقَطْ!

- (۱) لا يمكن أن ينزل المطر في الربيع!
 (۲) لايجب الاطفال فصل الربيع!
 (۳) الربيع فصلُ ابتداء كل عام!
 (۴) أيام كل فصل أربعين يوماً!

۳۶- عین الصحیح حول النص:

- (۱) لا تری الشمس في الربيع!
 (۲) تُشاهد الأشجار في الشتاء فقط!
 (۳) يتدی كل عام بالصیف!
 (۴) حرارة الشمس في الصيف كثيرة!

۳۷- عین ما يختلف عن الباقي في المعنى:

- (۱) المطر (۲) عام (۳) الثلج (۴) الأشجار

۳۸- عین الصحیح في التشکيل: «يصفرّ أكثر الأشجار في الخريف كما نعلم»

- (۱) أَكْثَرَ - الأشجار - الخريف
 (۲) أَكْثَرُ - الأشجار - نَعَلَمَ
 (۳) يَصْفَرُّ - أَكْثَرُ - الأشجار
 (۴) يَصْفَرُّ - أَكْثَرُ - الخريف

۳۹- عین الصحیح: «نزل الأمطار و الثلج في الخريف و الشتاء شيء طبيعي»

- (۱) نزول: مبتدأ و خبره «الأمطار»
 (۲) شيء: خبر و مرفوع
 (۳) طبيعي: خبر لـ «شيء»
 (۴) شيء: مبتدأ و خبره «طبيعي»

۴۰- عین الصحیح في التشکيل: «يتشکل كل فصل من تسعين يوماً»

- (۱) يَتَشَكَّلُ - كُلُّ - فَصْلٍ
 (۲) كُلُّ - فَصْلٍ - تَسْعِينَ
 (۳) كُلُّ - فَصْلٌ - مِّنْ
 (۴) يَتَشَكَّلُ - فَصْلٍ - مِّنْ

۴۱- عین الصحیح حول «يتشکل»:

- (۱) فعل من مادة «ش - ك - ك»
 (۲) فعل مفرد و مؤنث و ثلاثي مزید
 (۳) فعل مضارع من باب «تَفَعَّلُ»
 (۴) فعل مفرد و مذکر من باب «تفعیل»

۴۲- انتخب ما لا يدلّ على «الصبر»:

- (۱) صبر و ظفر هر دو دوستان قدیم اند!
 (۲) (فاصبروا إنّ الله مع الصابرين)
 (۳) فواره ها به گرد حضورت نمی رسند / حتی به چشم های صبورت نمی رسند.
 (۴) فصبرتُ لأهدافي / و يكونُ ربّي كافٍ

۴۳- انتخب الترجمة الصحيحة: «قد يكون بين الناس من هو أحسن منّا، فعلينا أن نبتعد عن العجب»

- (۱) گاهی میان مردم کسی وجود داشته است که از ما بهتر بوده است پس بر ما واجب است که از خودبینی دور شویم!
 (۲) گاهی در میان مردم بهتر از ما هم هستند بنابراین نباید خودبینی داشته باشیم!
 (۳) گاهی میان مردم کسی می باشد که از ما بهتر است پس باید که از خودبینی دور شویم!
 (۴) قطعاً میان مردم کسی است که از ما بهتر می باشد پس باید که از خودبینی دور شویم!

۴۴- إنتخب الترجمة الصحيحة: «علينا أن لا نذكرَ عيوبَ الآخرينَ بكلامٍ خفيٍّ أو إشارة»

- ۱) بر ما واجب است که عیب‌های انسان‌های دیگر را با کلامی پنهان یا اشاره‌ای ذکر نکنیم!
- ۲) ما نباید عیب‌های دیگران را حتی با سخنی پنهان یا اشاره‌ای بیان کنیم!
- ۳) ما نباید با کلامی پنهان به عیب‌های دیگران اشاره کنیم!
- ۴) ما نباید عیب‌های دیگران را با کلامی پنهان یا اشاره‌ای ذکر کنیم!

۴۵- إنتخب الترجمة الصحيحة: (و لا يَغْتَبِ بَعْضُكُمْ بَعْضاً أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ)

- ۱) نباید برخی از میان شما از برخی دیگر غیبت کنند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را بخورد؟
- ۲) نباید برخی از شما غیبت هم‌دیگر را کنند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر خود را بخورد؟
- ۳) شما نباید غیبت یک‌دیگر را کنید همان‌طور که دوست ندارید کسی از شما گوشت برادرش را بخورد.
- ۴) نباید برخی از شما غیبت هم‌دیگر را کنند آیا کسی دوست دارد که گوشت برادرش را بخورد؟

۴۶- إنتخب الترجمة الصحيحة: «من يعلم إلى أين تُسافر و أين نسكن. أين منزلنا الآخر؟ الإنسان موجودٌ عجيبٌ»

- ۱) کسی نمی‌داند که به کجا سفر می‌کنیم و کجا منزل می‌گزینیم. منزل پایانی ما کجاست؟ انسان موجودی شگفت است!
- ۲) چه کسی می‌داند که به کجا مسافرت می‌کنیم و کجا ساکن می‌شویم. منزل پایانی ما کجاست؟ انسان موجودی شگفت است!
- ۳) چه کسی می‌داند که به کجا باید برویم و کجا ساکن شویم. منزل نهایی ما کجاست؟ انسان موجودی عجیب و غریب است!
- ۴) چه کسی می‌داند که به کجا مسافرت می‌کنیم و کجا ساکن می‌شویم. منزل دیگر ما کجا خواهد بود؟ انسان موجودی ناشناخته است!

۴۷- عَيْنُ الْأَصْحَحِ فِي التَّرْجُمَةِ:

۱) أَنْقَذْتُ عُصْفُورًا مَجْرُوحًا: گنجشک زخمی‌ای را پناه دادم.

۲) مَنْ يَهْدِي هَوْلَاءَ السَّائِقِينَ؟ چه کسی هدایت‌گر آن رانندگان است؟

۳) أَهْلًا يَا ضَيْوْفَ بِهَذَا الْإِحْتِفَالِ: ای میهمان‌ها به این جشن خوش آمدید.

۴) الْإِيْمَانُ إِلَى اللَّهِ أَفْضَلُ شَيْءٍ لِلنَّاسِ: ایمان به خداوند بهترین چیز برای مردم است.

متن زیر را بخوانید و به ۶ سؤال بعدی پاسخ دهید.

«لِلشَّبَابِ آمَالٌ - آرزوها - كَثِيرَةٌ يَجْتَهِدُونَ حَتَّى يَصِلُوا إِلَيْهَا. يَجِبُ عَلَى الشَّبَابِ أَنْ يَجْتَهِدُوا بِكُلِّ قُوَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لِأَنَّ الْإِحْتِهَادَ الْمُنْقَطِعَ لَيْسَ مُفِيدًا.

الأهداف مهمة لكل إنسان ولكن الفرق بين الأمل و الهدف ثلاثة أشياء في طريق الإجتهد واجب لنا حتى نصل إلى أهدافنا الإجتهد الدائمي، عدم اليأس، التوكل على الله و الإنسان السعيد إنسان يجتهد دائماً ثم يقبل التقدير لرضاية خالقه»

۴۸- «لا يتكلم النَّصُّ عن أبداً» عَيْنُ الصَّحِيحِ:

- | | | | |
|--------------|----------|----------|------------|
| ۱) الشَّبَاب | ۲) الهدف | ۳) الليل | ۴) الإجتهد |
|--------------|----------|----------|------------|

۴۹- إنتخب الصحيح حَسَبَ النَّصِّ:

- ۱) نحن نصل إلى كل آمالنا!
- ۲) أهداف الإنسان مهمة له!
- ۳) لا يقدر الشباب أن يصلوا إلى أهدافهم!
- ۴) ليس الفرق بين الأمل و الهدف!

۵۰- عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلتَّشْكِيلِ: «الإنسان السعيد إنسان يجتهد يقبل التقدير»

- (۱) الإنسان - السعيد - إنسان
(۲) السعيد - يجتهد - التقدير
(۳) يجتهد - يقبل - التقدير
(۴) إنسان - يقبل - التقدير

۵۱- انتخب الصحيح حول هذه الجملة من النص: «الإجتهد الدائم، عدم اليأس، التوكل على الله»

- (۱) ما جاء الخبر في هذه الجملة
(۲) الدائم: خبر لـ «الإجتهد»
(۳) اليأس: صفت لـ «عدم»
(۴) التوكل: مضاف

۵۲- انتخب الصحيح حسب هذه العبارة من النص:

«للشباب آمال كثيرة يجتهدون...»

- (۱) آمال: خبر و مرفوع
(۲) للشباب: العجار و المجرور، الخبر المقدم و مرفوع
(۳) كثيرة: صفت لـ «الشباب»
(۴) يجتهدون: فعل مضارع من باب «إفعال»

۵۳- عَيْنِ الْخَبَرِ فِي جُمْلَةٍ «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ فِي طَرِيقِ الْإِجْتِهَادِ وَاجِبٌ لَنَا»

- (۱) أشياء (۲) واجب (۳) نا (۴) الإجتهد

۵۴- عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: «دِينُنَا الْإِسْلَامُ يَقُولُ: الْغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ»

- (۱) دين اسلام به ما می گوید: غیبت کردن از مهم ترین سبب های قطع ارتباط میان مردم است!
(۲) دين اسلام به ما می گوید: غیبت کردن از دلایل مهم قطع ارتباط میان مردم است!
(۳) دين ما اسلام می گوید: غیبت کردن از مهم ترین سبب های قطع ارتباط میان مردم است!
(۴) دين ما اسلام می گوید: گناه غیبت کردن یکی از مهم ترین سبب های قطع ارتباط میان مردم است!

۵۵- عَيْنِ الصَّحِيحِ حَسَبِ الْمَعْنَى:

- (۱) آسياء اصغر من اوروبًا!
(۲) السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ النَّاسِ أَمْرٌ جَمِيلٌ!
(۳) الْإِنْسَانُ السَّاخِرُ مَحْبُوبٌ عِنْدَ اللَّهِ!
(۴) إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السَّخَرِيَّةِ!

۵۶- عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

«جَادِلٌ - ضَلَّ - أَسْعَارٌ - نَوْعِيَّةٌ»

- (۱) ستیز کن - گمراه شد - قیمت ها - جنس
(۲) ستیز کن - گمراهی - قیمت - چگونگی
(۳) ستیز کرد - گمراه شد - قیمت - جنس
(۴) ستیز کرد - گمراهی - قیمت ها - جنس

۵۷- عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ:

«قَرَأْتُ فِي كِتَابِ تَارِيخِي كَأَنَّ مَكْتَبَةَ جُنْدِي سَابُورِ فِي خُوزِسْتَانِ أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ»

- (۱) در کتابی تاریخی چنین خواندم که کتابخانه‌ی جندی شاپور در خوزستان از بزرگ‌ترین کتابخانه‌ها در جهان قدیم بوده است!
(۲) در کتابی تاریخی خواندم که کتابخانه‌ی جندی شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم بوده است!
(۳) در کتابی تاریخی خواندم که کتابخانه‌ی جندی شاپور خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم به حساب می‌آمده است!
(۴) در کتابی تاریخی خواندم که کتابخانه‌ی جندی شاپور خوزستان کتابخانه‌ای بزرگ در جهان قدیم بوده است.

۵۸- عین المناسبت لتعريف هذه الكلمات: «گناه - بسیار توبه پذیر - عیب گرفت - رسوا کردن»

- (۱) الذنب - التائب - كمز - فضح
(۲) الإثم - التواب - كمز - فضح
(۳) الذنب - التواب - يلمز - فضح
(۴) الإثم - التائب - كمز - فضح

۵۹- عین الترجمة الصحيحة: «فقد قال أمير المؤمنين عليّ (ع): أكبر العيب أن تعيب ما فيك مثله»

- (۱) امیرمؤمنان علی (ع) گفته‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که از آنچه مانندش در توست عیب‌جویی کنی!
(۲) امیرمؤمنان علی (ع) می‌گویند: بزرگ‌ترین عیب آن است که از آنچه همانندش در توست عیب‌جویی کنی!
(۳) امیرمؤمنان علی (ع) گفته‌اند: از بزرگ‌ترین عیب‌ها آن است که از آنچه مانندش در توست عیب‌جویی کنی!
(۴) امیرمؤمنان علی (ع) گفته‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که از عیب‌های دیگران عیب‌جویی کنی!

۶۰- انتخاب الترجمة الصحيحة:

- (۱) كم سعر هذا القميص الرجالي؟: قیمت این پیراهن مردانه چه قدر است؟
(۲) يختلف السعر حسب النوعيات: نوع و قیمت‌ها فرق می‌کند!
(۳) تبدأ الأسعار من خمسة و سبعين تومان: قیمت‌ها از پنجاه و هفت تومان شروع می‌شود!
(۴) أعطني التخفيض: تخفیف می‌خواهم!

۶۱- انتخاب الترجمة الصحيحة: «هذا السروال الرجالي يتسع ألف تومان ولكن سراويل متاجر زميلي أفضل»

- (۱) این شلوار مردانه نود هزار تومان است ولی شلوارهای مغازه‌ی روبه‌رویی بهتر است!
(۲) این شلوار مردانه نود و نه هزار تومان است ولی شلوارهای مغازه‌ی دوستم بهتر است!
(۳) این شلوار مردانه نود هزار تومان است ولی شلوارهای مغازه‌ی دوستم بهتر است!
(۴) این شلوارهای مردانه نود و نه هزار تومان است ولی شلوارهای مغازه‌ی دوست من مرغوب‌تر است!

۶۲- عین الخطأ في تعريف كلمة «المتجر»:

- (۱) يعمل صديقي فيه!
(۲) مكانٌ للتجارة و الشراء و البيع!
(۳) مكانٌ نقرأ الكتب و المجلات فيه!
(۴) نشتري منه أشياء نحتاج إليها!

۶۳- «ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن» عین الخطأ:

- (۱) أثقل: اسم التفضيل
(۲) الميزان: مجرور به حرف جرّ «في»
(۳) الميزان: اسم المكان من مادة «و - ز - ن»
(۴) الحسن: المضاف إليه

۶۴- انتخاب المعانى المناسبة للمصادر: «انكسار - استغفار - تعلم - تعليم»

- (۱) شكسته شدن - بخشودن - یاد دادن - آموختن
(۲) شكسته شدن - آمرزش خواستن - یاد گرفتن - آموزش دادن
(۳) شكستن - بخشودن - آموختن - یاد دادن
(۴) شكسته شدن - آمرزش خواستن - آموزش دادن - یاد گرفتن

۶۵- عین الصحيح حسب العمليات الحسابية:

«لفاطمة إثنتا عشرة تُفاحَة هي وهبت ثلاث تُفاحات بين أصدقاءها لِمَرَّتَيْن، كم تُفاحاً يَبْقَى عندها؟»

- (۱) تسعة (۲) خمسة (۳) ستة (۴) أربعة

متن زیر را بخوانید و به ۷ سوال بعدی پاسخ دهید.

«يُمْكِنُ أَنْ نَقُولَ حُسْنَ الْخُلُقِ وَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ أَهْمُ مِيزَةٍ (ويژگی) لِلْإِنْسَانِ. وَ يَقْدِرُ الْإِنْسَانُ أَنْ يَكُونَ مَحْبُوبًا عِنْدَ خَالِقِهِ وَ بَيْنَ النَّاسِ وَ يَحْصِلُ عَلَى السَّكِينَةِ (آرامش) بِوَسْطَةِ اخْلَاقِهِ الْحَسَنَةِ. كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فِي دَعَاءٍ: اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي»

۶۶- «يتكلم النصّ عن». عيّن الصحيح:

(۱) الدّعاء (۲) الاخلاق (۳) بعثة الرّسول (ص) (۴) خلق الإنسان

۶۷- عيّن الخطأ: «بواسطة الاخلاق الحسنه»

(۱) يكون الإنسان محبوباً عندالله!
(۲) يحصل الإنسان السكينة في حياته!
(۳) يقدر الإنسان أن يحصل الاموال الكثيرة!
(۴) يكون الإنسان محبوباً بين الناس!

۶۸- «الهدف الذي جاء في النصّ من بعثة النبيّ هو». عيّن الصحيح:

(۱) تعليم مكارم الاخلاق
(۲) تشريح مكارم الاخلاق
(۳) تعلّم مكارم الاخلاق
(۴) إتمام مكارم الاخلاق

۶۹- عيّن التركيب الذي يختلف من الباقي:

(۱) أهمّ ميزة (۲) الخلق الحسن (۳) عند خالقه (۴) بين الناس

۷۰- إنتخب الصحيح: «إني بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»

(۱) بُعِثْتُ: فعل ماضٍ، مبنيّ للمجهول!
(۲) أُتَمِّمُ: فعل ماضٍ و ثلاثي مزيد!
(۳) بُعِثْتُ: فعل ماضٍ و فاعله ضمير «ت» البارز!
(۴) أُتَمِّمُ: فعل مضارع و مجرد ثلاثي!

۷۱- عيّن الصحيح: «اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي فَحَسِّنْ خُلُقِي»

(۱) تتشكّل هذه العبارة من ثلاث جُمَلات!
(۲) حَسَّنْتَ: فعل ماضٍ و مزيد ثلاثي من باب تَفَعُّل!
(۳) حَسِّنْ: فعل أمر و مزيد ثلاثي من باب تفعيل!
(۴) خَلَقْ: مفعول به لِفعل «حَسِّنْ»

۷۲- عيّن الصحيح في التشكيل:

«الخلق الحسن أهمّ ميزه للإنسان بين الناس»

(۱) الخُلُقُ - الحَسَنُ - أَهْمُ
(۲) أَهْمُ - مِيزَةٌ - الْإِنْسَانِ
(۳) مِيزَةٌ - الْإِنْسَانُ - النَّاسُ
(۴) الخُلُقُ - الحَسَنُ - النَّاسُ

۷۳- عيّن الترجمة الصحيحة: «لا يلتزم هذا الطالب المشاغب بالنّظم في المدرسة فسئلوه من مشاكل أصدقائه»

(۱) این دانش آموز اخلاص گر در رفتارش به نظم مدرسه پایبند نمی باشد پس از مشکل های دوستانش است!
(۲) این دانش آموز شلوغ کننده به نظم در مدرسه پایبند نمی باشد پس این کار او از مشکل های دوستانش است!
(۳) این دانش آموز اخلاص گر به نظم در مدرسه پایبند نمی باشد پس رفتارش از مشکل های دوستانش است!
(۴) این دانش آموز شلوغ کننده به نظر در مدرسه پایبند نیست پس رفتار او از مشکل های دوستانش شده است!

٧٤- عَيْنُ الاقرب في المفهوم: «التفكر في اعمالنا»:

- (١) صبر كن عشق زمين گير شود بعد برو / يا دل از ديدن تو سير شد بعد برو
- (٢) آن تير كه بر چله‌ي اندیشه سوار است / جايي بنشيند كه وراي انتظار است
- (٣) آدمي زاده‌ي اندیشه‌ي پنهان خود است؟/ نه كه انسان همه اعمال خودش بوده و بس
- (٤) آدمي پير چو شد حرص جوان مي‌گردد / خواب در وقت سحرگاه گران مي‌گردد

٧٥- عَيْنُ الترجمة الصحيحة: «سَمِعْتُ حكاية من جدِّي ولكن استمعتُ إلى كلامه بدقَّة كَأني ما سَمِعْتُ بها من قبلُ»

- (١) حكايتي را از پدربزرگم شنيدم ولي به سخن او با دقتي گوش دادم كه نفهميد آنرا قبلاً شنيده‌ام!
- (٢) حكايتي را از پدربزرگم شنيدم ولي چنان به سخن وي گوش دادم كه انگار مانند آنرا نشيده‌ام!
- (٣) حكايتي را از پدربزرگم شنيدم ولي به سخن وي بادقت گوش دادم كه گويي قبلاً آنرا نشيده‌ام!
- (٤) حكايتي را از پدربزرگ خود شنيدم ولي به سخنش گوش دادم كه گويي قبلاً از آن هيچ آگاهي نداشتم!

اقرأ النصَّ التَّالي ثمَّ أجب عن الأسئلة بما يُناسب النصَّ:

لقبُ محمدحسين بهجت تبريزي بـ «شهريار» هو وُلِدَ في تبريز في أسرة عريقة (با اصالت) و متدينة في تبريز. هو دخل جامعة الطب ولكن بواسطة علاقته إلى الشعر و الأدب و الكتابة إنصرف عن تحصيل الطب و ما صارَ (نشد) طبيباً. هو تعلم لغة الفرنسية. شهريار شاعر محبوب عند الناس و أشعاره قريبة من الحافظ الشيرازي. نشاهد في أشعاره الوصف، مدح أهل البيت - عليهم السلام - الغزل و الشكاية من الدهر. هو يقول:

«زندگانيم و زمين زندان ماست / زندگاني درد بي درمان ماست
جز به آب توبه نتوان پاک کرد / لگه‌ي ننگي كه بر دامان ماست»

٧٦- عَيْنُ الصحيح حَسَبَ النصَّ:

- (١) كان مولد شهريار مدينة تبريز!
- (٢) هو طبيب مشهور!
- (٣) لا يحب الناس أشعار شهريار!
- (٤) ما أحب شهريار أن يكون شاعراً!

٧٧- عَيْنُ ما ليس من المضامين و الموضوعات في أشعار شهريار:

- (١) المدح
- (٢) الغزل
- (٣) وصفُ الطبِّ
- (٤) الوصف

٧٨- انتخب المفهوم المناسب لهذا البيت من شهريار:

«زندگانيم و زمين زندان ماست / زندگاني درد بي درمان ماست»

- (١) الشكاية من الحياة
- (٢) توصيفُ الأرض
- (٣) الشكاية من داء الشاعر
- (٤) توصيف الحياة

٧٩- أي فعل يختلف عن الباقي من أفعال النصَّ:

- (١) وُلِدَ
- (٢) دَخَلَ
- (٣) ما صارَ
- (٤) تَعَلَّمَ

٨٠- انتخب المناسب حَسَبَ النصَّ:

- (١) ما دخل شهريار الجامعة في حياته!
- (٢) ليست أسرة شهريار تبريزياً!
- (٣) إسْمُ شهريار لقبٌ لشاعر النصَّ!
- (٤) لا تُشاهد الغزل في أشعار شهريار!

٨١- عَمِّنَ الصَّحِيحَ فِي التَّشْكِيلِ: «هُوَ دَخَلَ جَامِعَةَ الطَّبِّ وَلَكِنْ بِوَسْطَةِ عِلَاقَتِهِ إِلَى الشَّعْرِ وَالْأَدَبِ وَالْكِتَابَةِ إِنصَرَفَ»

- (١) هُوَ - دَخَلَ - جَامِعَةً
(٢) جَامِعَةً - الطَّبِّ - عِلَاقَةً
(٣) بِوَسْطَةِ - عِلَاقَةً - الشَّعْرِ
(٤) دَخَلَ - عِلَاقَةً - إِنصَرَفَ

٨٢- عَمِّنَ الصَّحِيحَ حَوْلَ فِعْلِ «لُقِّبَ»:

- (١) فِعْلٌ مَاضٍ، مَبْنِيٌّ لِلْمَعْلُومِ، مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ / فَاعِلُهُ «مُحَمَّدٌ حَسِينٌ»
(٢) فِعْلٌ مَاضٍ، مَبْنِيٌّ لِلْمَجْهُولِ، مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ مِنْ بَابِ تَفْعِيلٍ / نَائِبٌ فَاعِلُهُ «مُحَمَّدٌ حَسِينٌ»
(٣) فِعْلٌ مَاضٍ، مَجْرُودٌ ثَلَاثِيٌّ / فِعْلٌ وَالْجُمْلَةُ فِعْلِيَّةٌ
(٤) فِعْلٌ مَاضٍ، مَزِيدٌ ثَلَاثِيٌّ / فِعْلٌ وَالْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ

٨٣- اِنتَخِبَ الْمُنَاسِبَ حَوْلَ «أَشْعَارِهِ قَرِيبَةً مِنَ الْحَافِظِ الشِّيرَازِيِّ»:

- (١) قَرِيبَةً: خَبِرَ لِمَبْتَدَأِ الْجُمْلَةِ «أَشْعَارِ»
(٢) الْحَافِظُ: اسْمٌ مَفْرُودٌ وَجَامِدٌ
(٣) ضَمِيرٌ «ه» فِي أَشْعَارِهِ مِضَافٌ إِلَيْهِ وَنُصُوبٌ
(٤) الشِّيرَازِيُّ: مِضَافٌ إِلَيْهِ وَمَجْرُورٌ

٨٤- اِنتَخِبَ الْمُنَاسِبَ حَوْلَ: «هُوَ وُلِدَ فِي تَبْرِيزٍ وَفِي أُسْرَةٍ عَرِيقَةٍ وَتَدَيُّنَةٍ»

- (١) لِأَنَّهَا صِفَةٌ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ.
(٢) الْجُمْلَةُ اسْمِيَّةٌ وَخَبَرُهَا جُمْلَةٌ فِعْلِيَّةٌ.
(٣) «وُلِدَ» فِعْلٌ مَاضٍ وَفَاعِلُهُ ضَمِيرٌ «هُوَ الْمُسْتَتِرُ» فِيهِ.
(٤) «تَدَيُّنَةٍ»: اسْمٌ وَمَشْتَقٌّ (اسْمُ الْمَفْعُولِ)

٨٥- اِنتَخِبَ الصَّحِيحَ: «نُشَاهِدُ فِي أَشْعَارِهِ الْوَصْفَ ... هُوَ يَقُولُ»

- (١) «نُشَاهِدُ» فِعْلٌ مُضَارِعٌ مِنْ بَابِ «تَفَاعُلٍ».
(٢) «الْوَصْفُ» فَاعِلٌ لِفِعْلِ «نُشَاهِدُ»
(٣) تَشَكَّلَتْ هَذِهِ الْجُمْلَةُ مِنْ جُمْلَتَيْنِ فِعْلِيَّتَيْنِ.
(٤) تَشَكَّلَتْ هَذِهِ الْجُمْلَةُ مِنْ ثَلَاثِ جُمَلَاتٍ.

٨٦- عَمِّنَ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:

- (١) تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ: بِهِ دُوسْتَتِ تَذَكَّرَ بِهِ!
(٢) جَالِسِينَ الْعُلَمَاءَ: هَمْنَشِينِ دَانِشْمَنْدَانِ!
(٣) تَعَايَشُوا مَعَ جَارِكُمْ: بِأَهْمَسَايِهِ خُودِ هَمْ زِيَسْتِي كَنِيدِ!
(٤) اِنْسَحَبْ عِدُونًا: دَشْمَنِ مَا شَكَسْتِ خُورْدِ!

٨٧- عَمِّنَ مَا هُوَ مُضَادٌّ مَعَ إِحْدَى كَلِمَاتِ هَذِهِ الْعِبَارَةِ:

- «مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحَانِ»
(١) يَفْكُرُ (٢) يَنْجَحُ (٣) يَتَنَبَّهُ (٤) وَفَى

٨٨- عَمِّنَ الْأَصْحَحَ وَالْأَدَقَّ لِلْجَوَابِ عَنِ التَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ أَوْ التَّعْرِيْبِ.

«عَسَلٌ غِذَائِيٌّ نَشِيطٌ أَوْ رِيٌّ اسْتِ كِهْ عُنَاصِرُ گِرَانِ بَهَائِي زِيَادِي دَرِ بَرْدَارِدِ وَ مَهْمُ تَرِينِ أَنْهَا مَوَادِّ قَنْدِي اسْتِ!»: الْعَسَلُ غِذَاءٌ

.....

- (١) مُنَشَّطٌ يَحْوِي عُنَاصِرَ ثَمِينَةٍ كَثِيرَةٍ وَأَهْمَتَهَا السُّكْرِيَاتُ!
(٢) نَشِيطٌ يَحْوِي عُنَاصِرَ ثَمِينَةٍ كَثِيرَةٍ مِنْ أَهْمَتِهَا السُّكْرِيَاتُ!
(٣) مُنَشَّطٌ يَحْوِي الْعُنَاصِرَ الثَّمِينَةَ كَثِيرًا وَمِنْهَا السُّكْرِيَاتُ!
(٤) نَشِيطٌ يَحْوِي الْعُنَاصِرَ الثَّمِينَةَ كَثِيرًا وَمِنْهَا السُّكْرِيَاتُ!

۸۹- «من أهمّ خدمات أبي المحسن إحداث المدرسة التي لها مختبر مجهز!»:

- ۱) از خدمات مهم پدر نیکوکارم ساختن مدرسه است که آزمایشگاهش مجهز است!
- ۲) از با اهمیت ترین کارهای پدرم که خیر است احداث مدرسه با تجهیزات آزمایشگاهی است!
- ۳) از مهم ترین خدمات پدر نیکوکارم ساختن مدرسه ایست که دارای آزمایشگاه مجهزی می باشد!
- ۴) از مهم ترین خدمات پدرم که خیر است احداث مدرسه ایست که آزمایشگاه پیشرفته ای دارد!

۹۰- عمین الخطأ في التشكيل:

«عندما أراد الضيف أن يترك البيت دفع لصاحب الدار مائة دينار!»:

- ۱) عِنْدَمَا - أَرَادَ - يَتْرُكُ ۲) الضَّيْفُ - البَيْتِ - دَفَعَ ۳) الدَّارِ - مِائَةَ - دِينَارٍ ۴) البَيْتِ - صَاحِبِ - الدَّارِ

۹۱- «ما سمحت لي أُمِّي أن لا أذهب اليوم إلى المدرسة بذريعة المرض!»:

- ۱) مادرم به من اجازه نداد که امروز به بهانه ی بیماری به مدرسه بروم!
- ۲) مادر من امروز اجازه نداد که با این که بیمارم به مدرسه بروم!
- ۳) مادر امروز به من اجازه این که به بهانه ی بیماری ام به مدرسه بروم نداد!
- ۴) مادر امروز به من اجازه نداد که برای نرفتن به مدرسه بیماری را بهانه کنم!

۹۲- عمین الخطأ في التشكيل:

«قد يضرُّ الشَّيءُ الذي ترجو نفعه، فاترك الحرص لتعيش في راحة!»:

- ۱) يَضُرُّ - الشَّيْءُ - تَرْجُو ۲) تَرْجُو - نَفْعُهُ - تَعِيشَ ۳) نَفَعَ - أَتْرُكُ - الحِرْصَ ۴) أَتْرُكُ - تَعِيشَ - رَاحَةً

۹۳- «يا بنيّ؛ لا تزرع بذور الحقد و الحسد لمن هو أفضل منك في الدرس!»:

- ۱) فرزند عزیزم؛ بذره ای حسادت و کینه را نسبت به کسی که علمش بهتر از تو است، مکار!
- ۲) ای پسرکم؛ بذره ای کینه و حسادت را نسبت به کسی که در درس از تو بهتر است، مکار!
- ۳) پسرکم؛ نسبت به کسی که درس خواندنی بهتر از تو دارد، بذر حسادت و کینه مکار!
- ۴) ای فرزندم؛ بذر کینه و حسادت را نسبت به کسی که درسش از تو بهتر است، مکار!

۹۴- «التَّعْمُ السَّمَاوِيَّةُ تُنَزَّلُ عَلَيْنَا دَائِمًا بِعِنَايَةِ الْحَقِّ!»:

- ۱) نعمت های آسمانی، به لطف حق همیشه بر ما نازل می شود!
- ۲) این نعمت های آسمانی، به لطف خدا دائماً برای ما نازل می شود!
- ۳) نعمت هایی آسمانی است که به عنایت حق همیشه بر ما نازل شده است!
- ۴) این ها نعمت هایی آسمانی است که به توجه خدا، دائم بر ما نازل شده است!

۹۵- عمین الخطأ:

- ۱) أَغْنَى الغنى العقل،: غنی ترین غنیمت، عقل است،
- ۲) أكبر الفقر الحمق،: بزرگ ترین نیازمندی حماقت است،
- ۳) أسوأ الوحشة العجب،: بدترین تنهائی خودبینی است،
- ۴) أفضل الإرث حسن الخلق،: ارزشمندترین ارث، اخلاق نیک است!

۹۶- «وضع الإحسان في غير موضعه ظلم!». عَمِينَ الْأَقْرَبِ إِلَى مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ:

- (۱) نیکی ار در محل خود نبود / ظلم خوانندش ار چه بد نبود!
- (۲) نیکی کنی به جای تو نیکی کند باز / ور بد کنی به جای تو از بد بتر کنند!
- (۳) نکویی با بدان کردن چنان است / که بد کردن به جای نیک مردان!
- (۴) با بدان بد باش و با نیکان نکو / جای گل گل باش، جای خار خار!

۹۷- «إلهي أنطقني بالهدى و وعدني مغفرة منه!»:

- (۱) خدایا! مرا به هدایت گویا کن و به من آمرزشی را وعده بده!
- (۲) ای خدای من! مرا با هدایت به سخن درآور و وعدهی آمرزشی را از جانب خویش به من بده!
- (۳) خدای من مرا به هدایت گویا کرد و آمرزشی را از جانب خویش به من وعده داد!
- (۴) خدای من با هدایت خویش مرا گویا کرد و از جانب خود به من وعدهی بخشش داد!